

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتار بزهکارانه (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تبریز)

پدram رنجبر، حبیب احمدی، ماهرخ رجبی^۳

چکیده

در سال‌های اخیر ما در فضایی به سر می‌بریم که رسانه‌های نوین نقش اصلی را در شکل‌دهی کنش‌های نوجوانان بازی می‌کنند؛ به طوری که این رسانه‌های عاملی موثر در حفظ نظم اجتماعی و یا ایجاد رفتارهای بزهکارانه هستند. در این بین، همراه با افزایش استفاده از رسانه‌های نوین، بحث سواد رسانه‌ای نیز اهمیت خاصی پیدا کرده است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر مطالعه رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه است. برای این منظور تعداد ۳۹۰ نفر از دانش‌آموزان شهر تبریز با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای پیمایش شدند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر اساس جنسیت و نوع مدرسه تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب محل یا منطقه سکونت آنها تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پاسخگویان ساکن مناطق کم‌برخودار بیشتر از افراد ساکن مناطق نیمه‌برخودار و برخوردار است. بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده دانش‌آموزان و سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان با تمایل به رفتارهای بزهکارانه به ترتیب (۰/۲۷-) و (۰/۳۳-) همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد. علاوه بر این، با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار Amos مشخص شد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده (۰/۳۰-) و سواد رسانه‌ای (۰/۳۳-) بر تمایل به رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان تاثیر دارند.

کلیدواژه‌ها: سواد رسانه‌ای، رفتار بزهکارانه، بزهکاری، دانش‌آموزان، شهر تبریز

*این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده اول در دانشگاه شیراز است.

pedramranjbar1993@gmail.com

hahmadi@rose.shirazu.ac.ir

mrjajabi79@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۳. استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۱. مقدمه

امروزه فناوری‌های جدید در حوزه اطلاعات و ارتباطات فراتر از مرزهای سرزمین‌ها رفته و زمینه‌های ایجاد یک جامعه جهانی را فراهم نموده‌اند. به این معنی که تغییرات اخیر به وجود آمده در این حوزه تمامی سطوح جامعه را دچار تغییرات اساسی کرده‌اند. به همین سبب، با استفاده از این تکنولوژی‌های پیشرفته در زمینه ارتباطات حجم بالایی از اطلاعات و دانش در دسترس تعداد زیادی از مردم قرار گرفته و نهایتاً منجر به پیدایش پدیده دهکده جهانی شده است. مسئله‌ای که در این عصر از اهمیت زیادی برخوردار است، شیوه مواجهه و استفاده افراد از پیشرفت‌های روز افزون تکنولوژی‌های حوزه اطلاعاتی و ارتباطی است. در این بین، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌توانند همچون وسیله‌ای مفید به افراد یاری رسانند تا با استفاده از پدیده‌های علمی به روز، حیات دلخواه و آرمانی داشته باشند (شریفی رهنمو و همکاران، ۱۳۹۹).

فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در فرم‌دهی به هنجارها، ارزش‌ها و باورهای کاربران نقش مهمی دارند که بسیار بالاتر از آموزش‌های دانشگاهی و مدرسه‌ای است. همراه با تغییر و تحولات تکنولوژیک، روش‌های یادگیری نیز در حال دگرگونی هستند و دانش‌آموزان باید دست به تحلیل اطلاعاتی بزنند که با چند اشاره به دست می‌آیند. از ارتباط افراد به ویژه نوجوانان با رسانه‌های جمعی نمی‌توان چشمپوشی کرد. ارتباطی که با کنار گذاشتن کار با رسانه‌های ارتباطی قدیمی به سمت رسانه‌های ارتباطی جدید می‌رود. با دسترسی نوجوانان به منابع متنوع در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آنلاین سهم فیزیکی مرزهای اجتماع کاهش یافته و بر سهم مجازی آن، اضافه می‌گردد. در این بین، نوجوانان صرفاً به اطلاعات مهم و اساسی و محتوای مفید رسانه‌ها دسترسی ندارند و بهره‌گیری آن‌ها تنها نمی‌تواند به موارد علمی و مناسب محدود شود. در این راستا، سواد رسانه‌ای می‌تواند کمک‌کننده آن‌ها در استفاده سالم از رسانه‌ها باشد. سواد رسانه‌ای، نوعی مهارت است که نوجوانان باید همراه با بهره‌گیری از رسانه‌ها و به ویژه اینترنت به مثابه یک رسانه تعاملی، به آن مجهز شوند. استفاده نوجوانان از رسانه‌های نوین بدون داشتن سواد رسانه‌ای، می‌تواند با پیامدهای نامناسبی همراه باشد. به خصوص آن‌که با افزایش شکاف اطلاعاتی و مهارتی بین نوجوانان با والدین‌شان از یک‌سو و متنوع و تخصصی شدن رسانه‌های نوین، اهمیت ارتقای مهارت‌های سواد رسانه‌ای بیشتر از هر زمان دیگری می‌شود. سواد رسانه‌ای از این ظرفیت برخوردار است که مثل یک ناظر هوشمند و نهادی شده، شیوه مصرف رسانه‌ای افراد را سامان بخشد (جعفری، ۱۳۹۷).

امروزه نهاد خانواده، گروه دوستان، نظام تعلیم و تربیت و رسانه‌های ارتباط جمعی در اجتماعی شدن کودکان نقش دارند، اما با توجه به سرعت تغییر و تحولات و شرایط جوامع فعلی، نقش عامل چهارم یعنی رسانه‌ها بسیار بیشتر از سه عامل قبلی است و بدین ترتیب رسانه‌ها می‌توانند در عین حال که به درونی شدن ارزش‌های اجتماعی و قوانین کمک کنند، سبب ایجاد رفتارهای ضد اجتماعی شده و قوانین و نظم اجتماعی موجود را بر هم بزنند. بررسی‌های متعدد نشان داده‌اند که گاهی تعداد ساعاتی که نوجوانان از رسانه‌ها استفاده می‌کنند بسیار بیشتر از زمانی است که با خانواده می‌گذرانند و بنابراین امروزه رسانه‌های ارتباطی نقش اصلی را در شکل‌دهی کنش‌های اعضای جامعه بازی می‌کنند حال این کنش‌ها باعث حفظ نظم اجتماعی در جامعه شود و یا سبب کجروی

و بزهکاری شود. به نظر می‌رسد بزهکاری نوجوانان از جمله دانش‌آموزان یکی از پیامدهای اساسی رسانه‌های ارتباطی بر روی آنها است (شریفی، ۱۳۸۸). وجود رفتارهای بزهکارانه به‌عنوان یک مسئله اجتماعی می‌تواند نظم اجتماعی و امنیت اجتماعی را سلب نماید و نهادهای مهم جامعه همچون خانواده، دین، اقتصاد، آموزش و پرورش و سایر نهادها را متزلزل کرده و ارزش‌ها و باورهای جامعه را تضعیف کند. در واقع، بزهکاری نوجوانان با تاثیرات منفی فردی، اقتصادی و اجتماعی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی کشورمان هستند، چرا که ایران کشوری است که از لحاظ ساختار جمعیتی جوان بوده و بخش قابل توجهی از جمعیت آن را جوانان و نوجوانان تشکیل داده‌اند. نوجوانان و جوانان سرمایه‌های هر کشوری به شمار می‌روند و در ادامه زیست انسانی، این گروه از افراد نقش مهمی دارند؛ لذا، مطالعه مشکلات و مسائل جامعه نوجوانان از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا روبه‌رو شدن آنان با مسائل فردی و اجتماعی به‌خصوص از بعد اخلاقی و اجتماعی، کل جامعه را با تهدید مواجه می‌سازد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، مطالعه رابطه سواد رسانه‌ای با تمایل به بزهکاری دانش‌آموزان دوره متوسطه (دبیرستانی) شهر تبریز است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

تقی‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش سواد رسانه‌ای بر دانش‌آموزان» با روش شبه آزمایشی و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای به این نتیجه رسیدند که میانگین نمره دانش‌آموزان گروه آزمایش در توانایی‌های سواد رسانه‌ای، یعنی توانایی استفاده از رسانه، تجزیه و تحلیل، تولید و ارسال پیام‌های رسانه‌ای و تفکر انتقادی نیز پس از اجرای دوره آزمایشی به طور معناداری افزایش یافت. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین گفت که آموزش سواد رسانه‌ای بر میزان و سطح توانایی‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای در دانش‌آموزان موثر است و توسعه آن در مدارس ضرورت دارد.

محمدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم» با استفاده از رویکرد کیفی به این نتیجه رسیدند که بهبود نظام آموزشی و گنجاندن دروس مروج قانون و قانون‌پذیری در کتب درسی و استفاده از برنامه‌های حمایتی ناظر به خانواده و هدایت درست برنامه‌های رسانه‌ها می‌توانند شیوه‌های مفید و تاثیرگذاری در راستای حمایت از کودکان بزهکار باشد.

حق‌پرست و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه سرمایه و سلامت اجتماعی و سواد رسانه‌ای با کاهش آسیب‌های اخلاقی در اینستاگرام پرداخته است. نتیجه این تحقیق نشان داده است که بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی و سواد رسانه‌ای به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق با آسیب‌های اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد و سواد رسانه‌ای بیشترین تاثیر معکوس را بر آسیب‌های اخلاقی اینستاگرام گذاشته است. بنابراین هر چقدر سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی بیشتر می‌شود آسیب‌های اخلاقی به طور معناداری کاهش می‌یابد.

فرقانی و خدامرادی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش سواد رسانه‌ای در تعدیل اعتیاد اینترنتی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان متوسطه دوم چهار محال بختیاری)» با استفاده از روش آزمایشی و طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل به این نتیجه رسیدند که آموزش سواد رسانه‌ای در تعدیل اعتیاد اینترنتی میان دانش‌آموزان نقش دارد. براساس نتایج این پژوهش، آموزش سواد رسانه‌ای، میزان بهره‌گیری از رسانه، توانایی تحلیل و ارزیابی، تولید پیام‌های رسانه‌ای، برقراری ارتباط با تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ای و تفکر انتقادی را در بین دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.

یافته‌های تحقیق نورآذر (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تاثیر سواد رسانه‌ای بر کاهش جرایم نوپدید مربوط به استفاده از فضای مجازی در بین جوانان شهر مشگین شهر» نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای تاثیر منفی معنی‌داری بر جرایم نوپدید در فضای مجازی دارد و ضریب بتا نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای ۰/۴۱- تغییرات جرایم نوپدید در فضای مجازی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که از بین ابعاد سواد رسانه‌ای، رژیم مصرفی ۰/۴۴-، ویژگی‌های پیام ۰/۲۹- و نقد پیام ۰/۳۰- تغییرات جرایم نوپدید در فضای مجازی را پیش‌بینی می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت که افزایش سواد رسانه‌ای و ابعاد آن در بین جوانان شهر مشگین شهر، باعث کاهش جرایم نوپدید مربوط به استفاده از فضای مجازی می‌شود.

ملکی و هاشیمان‌فر (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی میزان و تاثیر سواد رسانه‌ای نوجوانان بر اغتشاشات پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سواد رسانه‌ای تاثیر معناداری بر آسیب‌های شبکه‌های مجازی دارد. همچنین بین سواد رسانه‌ای و ابعاد آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی یعنی آسیب خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی و روانی نیز همبستگی معکوس معناداری مشاهده شده و در نتیجه نتایج این پژوهش حاکی از این بود که افزایش سواد رسانه‌ای به کاهش آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی و ابعاد آن کمک می‌کند.

یکی دیگر از پژوهش‌هایی که رابطه بین سواد رسانه‌ای و آسیب‌های اجتماعی را با مطالعه شبکه اجتماعی اینستاگرام و نقش پلیس بررسی کرده‌اند در سال ۱۳۹۹ توسط شریفی رهنمو و همکاران انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر همدان بوده است و نتایج آن موید رابطه معنادار معکوس بین سواد رسانه‌ای و مولفه‌های آن با آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. همچنین از بین مولفه‌های سواد رسانه‌ای (میزان دسترسی به رسانه‌ها، میزان استفاده از رسانه‌ها، تفکر انتقادی و تولید پیام‌های رسانه‌ای) دو مولفه دسترسی به رسانه‌ها و تفکر انتقادی بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند.

نتایج پژوهش آقایی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش رفتار مبتنی بر سواد رسانه‌ای در پیشگیری از وقوع انواع جرایم در بین خانوارهای اصفهانی» حاکی از آن است که سواد رسانه‌ای به ترتیب بر جرایم سیاسی با ضریب (۰/۵۵-)، جرایم عقیدتی با ضریب (۰/۴۰-)، جرایم اخلاقی با ضریب (۰/۳۴-)، جرایم امنیتی با ضریب (۰/۳۱-) و جرایم مالی با ضریب (۰/۳۰-) تاثیر معکوس و معناداری داشته است و هرچقدر سطح سواد رسانه‌ای شهروندان بالاتر باشد، سطح ارتکاب به انواع جرایم کمتر می‌شود.

کردی حاجی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان عوامل خطر و محافظت‌کننده بزهکاری کودکان و نوجوانان در بین ۳۸۴ نفر از قضات و مددکاران اجتماعی و مدیران مدارس استان مازندران با استفاده از روش پیمایشی انجام دادند. یافته‌های این پژوهش به این نتیجه رسیدند که از منظر نمونه مورد بررسی، وضعیت اقتصادی خانواده، نظارت و کنترل خانواده و الگوهای اخلاقی و تربیتی خانواده بر بزهکاری اطفال و نوجوانان موثر است. براساس یافته‌های این پژوهش بیشترین گرایش را به ارتکاب جرائم مربوط به عفت عمومی و هتک حیثیت رایانه‌ای و خشونت خیابانی است.

بیداروند و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تاثیر پیشگیرانه سرمایه اجتماعی رسانه‌ای بر بزهکاری در بستر فناوری‌های نوین در دوران کرونا با استفاده از روش پیمایشی در بین ۲۵۰ نفر از دانشجویان به این نتیجه رسیدند که افزایش توانایی کاربران در جامعه، بر پایه ترویج سواد مبتنی بر فرهنگ، اخلاق، عدالت و درک آگاهانه و انتقادی از ماهیت رسانه‌های جمعی و فناوری که از سوی تولیدکنندگان رسانه استفاده می‌شود، بر فرد و جامعه در جهت کاهش بزهکاری سایبری موثر واقع می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که بین درک محتوای پیام‌ها، آگاهی از اهداف پنهان پیام‌ها، گزینش آگاهانه پیام‌ها، تجزیه و تحلیل

پیام‌های رسانه‌ای، عقلانیت و نگاه انتقادی به پیام‌ها به عنوان مولفه‌های سرمایه اجتماعی رسانه‌ای با کاهش بزهکاری رابطه مستقیم وجود دارد.

اسکاریر^۱(۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری تاثیرات برنامه‌های سواد رسانه‌ای بر اختلافات و خشونت در بین ۵۷ دانش آموز به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان تمایل بیشتری به انتخاب افراد غیر تهاجمی داشتند. سایر سنجش‌های استفاده شده پاسخ‌های تلفیقی را نسبت به برنامه‌های سواد رسانه‌ای داشتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این برنامه‌ها برای ارتقای موفقیت‌آمیز سواد رسانه‌ای در مدارس و رسیدگی به تعارضات بین فردی در میان دانش‌آموزان ضرورت دارد.

چیونگ^۲(۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «ارتقاء آموزش سواد رسانه‌ای در چین»، به این نتیجه رسید که بین رفتار نوجوانانی که دارای سواد رسانه‌ای بودند و نوجوانان فاقد این سواد تفاوت معناداری وجود دارد و مهمترین علت آن تفکر انتقادی بوده است.

ملکی^۳(۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان نقش سواد رسانه‌ای در مواجهه با افراطی‌گری‌های خشونت به این نتیجه رسیدند که اهمیت پژوهش در زمینه آموزش معلمان مدرسه در سواد رسانه‌ای و دیجیتالی و ساختن برنامه آموزشی مرتبط بومی برای دانش‌آموزان به اندازه فشار برای سیاست‌هایی که برای سواد رسانه‌ای و برنامه‌های آن در مدارس اهمیت دارد.

ساوانا^۴(۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان «توانمندسازی زنان اندونزیایی از طریق ایجاد سواد رسانه‌ای دیجیتال»، به روش تحلیل محتوا و مرور روندهای حاکم بر فعالیت‌های زنان در اندونزی سواد رسانه‌ای دیجیتال را بررسی و تحلیل کرده‌اند. نتایج این بررسی نشان داده که سواد رسانه‌ای دیجیتال در برخی از کشورها مانند اندونزی ابزاری برای توانمندسازی زنان بوده است، چرا که در این کشور سواد رسانه‌ای به دلیل آموزش ناکافی، فقدان فرصت‌ها و نظام مردسالاری کم است.

نگل^۵(۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «توثیتر، خشونت سایبری و نیاز به سواد انتقادی رسانه‌های اجتماعی در آموزش معلمان: مروری بر ادبیات نظری» به روش مروری سواد رسانه‌ای را در سازمان آموزشی بررسی کرده است. نتایج این بررسی تحلیل نشان داده که امروزه در سازمان‌های آموزشی، آموزش‌های چندلایه و سوادآموزی مبتنی بر رسانه‌های جدید از ایده‌های سوادآموزی حمایت می‌کنند، چرا که این ایده‌ها بیشتر بر استفاده از فناوری‌های دیجیتالی در کلاس تمرکز می‌کنند. همچنین در برخی موارد پیامدهای اخلاقی استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای افراد نامشخص است و اغلب عدم امنیت در فضاهای آنلاین نگران‌کننده است، چرا که در برخی شبکه‌های اجتماعی مواردی که مورد استفاده و تبلیغ قرار گرفته است، با سوءرفتار و خشونت نژادی رو به رو است.

پیرا و مورا^۶(۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی شایستگی‌های سواد رسانه‌ای: مطالعه‌ای در بین جوانان پرتغالی»، نشان دادند که بین سواد رسانه‌ای و آسیب‌های اجتماعی، فردی و خانوادگی کاربران فضای مجازی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

بولگر و دوپسون^۷(۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی، وعده‌ها، چالش‌ها و آینده سواد رسانه‌ای»، نشان دادند که سواد رسانه‌ای بالا آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی را به نحو معناداری کاهش می‌دهد.

۱ Scharrer

۲ Cheunge

۳ Suwana

۴ Nagle

۵ Pereira & Moura

۶ Bulger & Davison

واحدی و همکارانش (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «آیا مداخلات سواد رسانه‌ای در تغییر نگرش و اهداف نسبت به رفتارهای بهداشتی پرخطر در نوجوانان موثر است؟» با استفاده از روش فراتحلیل در دو مرحله، ۳۵ کار پژوهشی مرتبط را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج آنها نشان داده که مداخلات سواد رسانه‌ای بر کاهش فشار رسانه‌ای برای کاهش رفتارهای بهداشتی پرخطر موثرند و تاثیرات مثبتی هر چند کوچک بر نگرش و اهداف رفتاری دارند.

خی، گای و ژو^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «فراتحلیل مداخلات سواد رسانه‌ای در رفتارهای انحرافی» به روش فراتحلیل ۲۳ مقاله پژوهشی مرتبط با سواد رسانه‌ای را بررسی و تحلیل کرده‌اند. این فراتحلیل تاثیر مداخلات سواد رسانه‌ای بر رفتارهای انحرافی مانند الکل، استعمال دخانیات، نارضایتی بدن و اختلالات خوردن را آزمایش کرده است و نتایج آن نشان داده که در ارتباط با سواد رسانه‌ای، تاثیر سواد رسانه‌ای بر کاهش رفتارهای انحرافی به اثبات رسیده است.

مینگویا و هاجینسون^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تاثیر مداخله سواد رسانه‌ای اجتماعی بر نگرش مثبت به مدیریت بدن: یک مطالعه مقدماتی» به روش کیفی ۸۴ زن جوان که به واسطه تبلیغ رسانه‌ها اقدام به برنزه کردن پوست با وجود خطر سرطان پوست کرده‌اند را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این بررسی نشان داده که بهبود مهارت سواد رسانه‌ای باعث کاهش تمایلات افراد به جراحی‌های زیبایی تبلیغ شده از طرف رسانه‌های اجتماعی می‌شود و آموزش سواد رسانه‌ای یک راهکار جدید برای کاهش اثرات مضر پیام‌های رسانه‌های اجتماعی در مورد اقدامات غیرضروری زیبایی پرخطر است.

پورناما^۳ و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی را با عنوان «آیا سواد دیجیتالی بر ریسک‌های آنلاین دانش آموزان تاثیر می‌گذارد؟» انجام دادند. هدف این مطالعه درک این موضوع است که چگونه سواد دیجیتال، میانجیگری والدین، و خودکنترلی بر ریسک آنلاین در طول همه‌گیری کووید-۱۹ در اندونزی تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش که با رویکرد کمی انجام شده ۳۰۰ پرسشنامه در بین دانش‌آموزان توزیع شده است. برآورد مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که سواد دیجیتالی، میانجیگری والدین و خودکنترلی بر ریسک آنلاین تأثیر می‌گذارد. با این حال، میانجیگری والدین در ارتقای خودکنترلی دانش‌آموزان شکست خورد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که هم سواد دیجیتال و هم میانجیگری والدین برای کاهش تاثیر ریسک برنامه آنلاین در فرآیند آموزش و یادگیری باید وجود داشته باشد. براساس یافته‌های این مطالعه، هوشیاری والدین، ارتقای سواد رسانه‌ای، و استفاده صحیح از فناوری برای دانش‌آموزان لازم و ضروری می‌باشد.

در یک جمع‌بندی از پیشینه پژوهش می‌توان گفت که عمده تحقیقات انجام شده در داخل، اشاره مختصری به نقش سازنده سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته‌اند و تفاوت شاخص این پژوهش با کارهای مشابه انجام شده در این مبحث است که این پژوهش به‌طور اختصاصی نقش رفتار مبتنی بر سواد رسانه‌ای در ارتکاب رفتارهای بزهکارانه را مورد بررسی قرار خواهد داد. هم‌چنین پژوهش‌های خارجی انجام شده در خارج تشابه زیادی به پژوهش‌های داخلی دارند، اما در نهایت هیچ‌کدام از پژوهش‌های صورت گرفته به مطالعه رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان نپرداخته‌اند. علاوه بر این، جستجو در پایگاه داده‌های علمی و پژوهشی کشور نشان داد که تا کنون پژوهشی در زمینه رابطه سواد رسانه‌ای با تمایل به رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان در جامعه مورد مطالعه صورت نگرفته است.

۲.۲. چهارچوب نظری تحقیق

^۱ Xie, Gai & Zhou

^۲ Mingoia & Hutchinson

^۳ Purnama

براساس تعریف کارشناسان حوزه ارتباطات، سواد رسانه‌ای توانایی دستیابی، تجزیه و تحلیل، نقد، ارزیابی و ایجاد ارتباط به شیوه‌های مختلف است (صبری، ۱۳۸۱: ۱۷۰). به نظر آن‌ها فرد دارای این مهارت؛ می‌تواند به شیوه نقادانه، درباره آنچه در مطبوعات، رسانه‌ها، فضای مجازی و... می‌بیند، می‌خواند و می‌شنود، تفکر نماید. همچنین سواد رسانه‌ای از نظر برخطی‌متخصصان به معنای فراگیری شیوه تولید پیام با استفاده از رسانه‌های چاپی، شنیداری، دیداری و... است (شکرخواه، ۱۳۸۸). سواد رسانه‌ای به معنی این است که فرد در کنار سواد خواندن و نوشتن، بتواند پیام‌ها و اطلاعاتی را که دریافت می‌کند تجزیه و تحلیل و ارزش‌گذاری کند و همچنین پیام‌های موردنظر خود را با روش‌های ارتباطی گوناگون به دیگران برساند. بدین معنی که شخص با داشتن این نوع سواد درکی از نحوه کارکرد رسانه‌ها و معنای آشکار و پنهان و اهداف پیام‌هایی را که از سوی آن‌ها دریافت می‌کند پیدا می‌کند و بنابراین تنها مصرف‌کننده نبوده و اثرات رسانه را غربال می‌کند.

سواد رسانه‌ای این توانایی را فراهم می‌کند که علاوه بر خواندن پیام‌هایی که از سوی رسانه‌ها مخابره می‌شود، بتوان لایه‌های سطور را خواند و پیام‌های پنهان و ضمنی را دریافت. فردی که سواد رسانه‌ای دارد می‌تواند از رسانه‌ها آگاهانه و گزینشی استفاده کرده و به هدف‌های آن‌ها پی ببرد. این فرد می‌تواند بفهمد که چرا و چگونه یک پیام واحد در رسانه‌های مختلف و با استفاده از جلوه‌های ویژه و سایر تکنیک‌های بصری و شنیداری به شیوه‌های متفاوتی ارائه می‌شود (شکرخواه، ۱۳۸۸). سواد رسانه‌ای فرد را توانمند می‌کند تا سطرهای نانوخته رسانه‌های نوشتاری، صداهای پخش نشده از رسانه‌ها را یاد بگیرد و با آنها ارتباط برقرار کند. برای مثال، مخاطبی که سواد رسانه‌ای دارد از اهداف و رسالت رسانه‌ها آگاهی داشته و نقش صدا، موسیقی، و جلوه‌های ویژه موجود در سینما و تلویزیون را می‌داند و می‌شناسد. چگونه یک پیام واحد در تلویزیون، سینما، روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تابلوهای بزرگ تبلیغاتی و یا بازی‌های رایانه‌ای می‌تواند، اثرات متفاوتی از خود بجا گذارد. سواد رسانه‌ای این فرصت را به مخاطبان می‌دهد تا سبب ارتقای آگاهی آن‌ها به چارچوب‌های شناختی و انتقادی شود و نگاه منتقدانه‌ای به رسانه‌ها و اخبار و اطلاعات منتشر شده از طرف آن‌ها داشته باشد. به یک معنای سواد رسانه‌ای را می‌توان قدرت مخاطب در تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌های مختلف توأم با نگاه انتقادی به محتوای آن‌ها قلمداد کرد. سواد رسانه‌ای، مسیری را برای کاربران این شبکه میسر می‌سازد تا حقیقت را در بین به هم ریختگی حوادث و اطلاعات جستجو کنند و به هدف‌شان که رسیدن به کامل‌ترین درک ممکن است، دست یابند (نعمتی فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

اتحادیه اروپا، سواد رسانه‌ای را «توانایی دسترسی به رسانه‌ها، درک و ارزشیابی محتواهای رسانه‌ای و برقراری ارتباطات در زمینه‌ها و موقعیت‌های متنوع» تعریف کرده است. در ضمن، سواد رسانه‌ای به همه انواع رسانه‌ها از جمله تلویزیون، رادیو، موسیقی ضبط شده، رسانه مکتوب، اینترنت و سایر فناوری‌های جدید دلالت می‌کند (سیلور، ۲۰۰۹: ۱۲). همچنین، سواد رسانه‌ای همانا توانایی دسترسی و تجزیه و تحلیل و ارزش‌گذاری پیام‌های رسانه‌ای و اطلاعا از نحوه انتقال آن‌هاست (کانسیداین، ۱۳۷۹). طبق نظر الیزابت تامن (۱۹۹۵)، سواد رسانه‌ای همچون صافی‌ای داور می‌کننده عمل می‌کند؛ بدین گونه که حجم پیام‌های دریافتی از سه لایه سواد رسانه‌ای که به مثابه فیلتر عمل می‌کند عبور می‌کند و نحوه روبرو شدن با پیام را مشخص می‌کند. این سه لایه عبارتند از:

لایه اول: رژیم رسانه‌ای که به معنای برنامه‌ریزی برای نحوه استفاده از پیام‌ها می‌باشد؛ همانگونه که از نام آن پیداست این لایه بر گزینش و کاهش میزان مصرف رسانه‌ها تأکید دارد و شخص انتخاب می‌کند که کدام برنامه را ببیند و روش مشخصی برای انتخاب و بهره‌گیری از رسانه‌های گوناگون دارد.

لایه دوم: در این سطح، کاربر به ابعاد نامحسوس‌تر رسانه‌ای توجه می‌کند و به سوالات و مسائلی عمیقی همچون چه کسی پیام‌های رسانه‌ای را ایجاد می‌کند؟ چه هدفی با فرستادن پیام دنبال می‌شود؟ چه کسی از فرستادن پیام نفع می‌برد و چه کسی متضرر می‌شود؟ و... می‌پردازد.

لایه سوم: این لایه مهارت‌های ضروری برای تماشای انتقادی رسانه‌هاست. با این مهارت‌ها، کاربر به تجزیه و تحلیل و سوال در مورد چارچوب ساخت پیام و ابعاد جا افتاده در آن می‌پردازد (تامن، ۱۹۹۵). آنچه در این‌لایه اهمیت دارد، شناخت واقعیت‌ها و ابعادی از پیام است که حذف شده‌اند. به بیان دیگر، فهم متن از سوی کاربر، در گرو تشخیص جنبه‌های جا افتاده پیام است (کوچ و روزنستیل، ۲۰۰۲). این بخش از سواد رسانه‌ای به اندازه‌ای حائز اهمیت است که هابز از آن تحت عنوان «فهم سطح بالاتر» یاد می‌کند. از نظر هابز، این بعد از سواد رسانه‌ای، توان پیش‌بینی‌کننده قوی‌ای برای تشخیص نیازها و انتظارات مخاطبان مهیا می‌سازد (هابز، ۲۰۰۳).

تامن بر این اعتقاد است که هر چقدر لایه‌ها عمیق‌تر شوند سواد رسانه‌ای نیز افزایش می‌یابد. یعنی لایه اول به کاهش مصرف رسانه و جیره‌بندی آن تأکید دارد، لایه دوم به گزینه پیام‌ها با توجه به ویژگی‌های پیام دهنده توجه دارد و لایه سوم شامل نقد این پیام‌ها می‌شود. در نتیجه سواد رسانه‌ای این امکان را مهیا می‌کند که پیام دریافتی، با چالش مواجه شود و کاربر، از شکل انفعالی به حالتی فعال، پرسشگر و خود اظہارکننده برسد (پاکسون، ۲۰۰۵).

سواد رسانه‌ای مهارتی است که کاربر منفعل را به مخاطب فعال تبدیل می‌کند و سبب می‌شود که مخاطب در برابر هر نوع پیام و رسانه نوشتاری، بصری موضع فعالانه داشته باشد. بنابراین این نوع سواد به مثابه داور ذهنی و فیلتر اخلاقی عمل کرده و به صورت سیستمی برای تفسیر و گزینش کار می‌کند که نحوه رویارویی با هر نوع پیام دریافتی از سوی رسانه‌ها را تعیین می‌کند و باعث می‌شود کاربران، در استفاده و گزینش پیام‌ها مسئولیت بیشتری احساس کنند.

رسانه‌های جمعی با منعکس نمودن اخبار و اطلاعات مربوط به پدیده‌های جنایی، نه تنها نگرش خاصی را به کاربران القاء کرده، بلکه دیدگاه‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (گیدنز، ۱۳۹۳). پس رسانه‌ها نه تنها در شکل دادن و مهار کردن جرایم مؤثر هستند، بلکه در پیچیده شدن جرایم و ساماندهی آن نیز نقش دارند و حتی نحوه قضاوت و داوری مردم در خصوص جرم و نظام عدالت کیفری را نظم می‌دهند و به نوعی تفسیر و تعبیر خود را از اخبار به کاربران القا می‌کنند. در نتیجه؛ می‌توان گفت که بخش زیادی از برداشت ما از جرم و عدالت محصول تأثیر رسانه‌های جمعی است و تا زمانی که سواد رسانه‌ای وجود نداشته باشد، باعث می‌شود که افراد در اختیار رسانه‌ها قرار گیرند، نه اینکه رسانه‌ها را در اختیار خود بگیرند. در این زمینه، جرم‌شناسان فرهنگی نیز مدعی‌اند که رسانه‌ها از آغاز زندگی تا پایان حیات، افراد جامعه را در خزانه بی‌پایانی از اطلاعات جای می‌دهند. حتی می‌توان گفت که در گردونه رسانه‌ها، انسان‌ها تولدی تازه می‌یابند و اندیشه‌ها و ارزش‌های جدیدی را می‌آموزند. به عبارت دیگر، رسانه‌ها

تاثیر می‌گذارند. در واقع، از نظرگاه جرم‌شناسی فرهنگی، جرم از سوی رسانه‌ها به‌عنوان یک کالا و در جهت عرضه به مشتریان رسانه‌ای (مخاطبان) ارائه می‌گردد (آقائی، ۱۳۹۶: ۲).

به‌طور کلی، رسانه‌ها از گذشته تا حال مفاهیم و پارادایم‌های خود را در قالب خوب در مقابل بد، زشت در برابر زیبا و قهرمان در مقابل شرور به کاربران نشان داده‌اند (باراک، ۱۹۹۴). به بیانی دیگر می‌توان گفت که بازنمایی‌های رسانه‌ای، نوعی برداشت و قضاوت به مخاطبان القاء می‌کند، این موضوع در زمینه وقوع جرم و نحوه پیشگیری از آن نیز صادق است. جرم و عدالت نیز به‌طور مناسبی در این قالب‌های اطلاع‌رسانی رسانه‌ای جای می‌گیرد و همیشه تحت تاثیر سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری اصلی رسانه‌ها است. بدین ترتیب رسانه‌ها از سویی می‌توانند احساس ناامنی را افزایش داده، تمایلات ارتکاب جرم و بزهکاری را تقویت کنند و از سوی دیگر می‌توانند با اطلاع‌رسانی درست مسئولیت تبلیغ الگوهای مناسب برای زندگی سالم را بر عهده گرفته و در نتیجه جرم را در جامعه کاهش داده و احساس امنیت را افزایش دهند.

رسانه‌ها می‌توانند ابزار مناسبی برای روشن شدن اذهان و تلفیق افکار و آراء مخاطبان باشند. اما نحوه انعکاس بسیاری از محتواها توسط رسانه‌ها نیز دارای اهمیت است به گونه‌ای که رسانه‌ها با انعکاس برخی جرایم و شیوه‌های گوناگون ارتکاب جرم و اعمال خشونت می‌توانند در وقوع جرم در جامعه مؤثر باشند و نتایج کوتاه مدت و دراز مدتی در این عرصه داشته باشند. به این معنا که با نشان دادن جرایم و ناهنجاری‌هایی نظیر انواع خشونت‌ها، آسیب‌ها، کلاهبرداری و... می‌توانند نوعی هیجان در رفتار کاربران رسانه‌ها ایجاد کنند و آنها را در جهت بروز رفتار ناهنجار ترغیب کنند. در حالی که با تمسک به سواد رسانه‌ای و آشنایی با زوایای پنهان و آشکار فعالیت‌های رسانه‌ای با استفاده از این ابزار، مخاطبان می‌توانند خود، خانواده و فرزندان‌شان را از قربانی شدن در برابر جرایم یا ارتکاب جرم مصون و محفوظ نگاه دارند (ولیزاده و جعفری، ۱۳۹۸: ۲۱۴).

محققان و صاحب‌نظران حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی این امر را تایید می‌کنند که قرار گرفتن در معرض خشونت‌های رسانه‌ای، رفتارهای خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهند و کودکان را به سمت رفتارهای پرخاشگرانه سوق می‌دهند و عداوت و دشمنی را در آنها تقویت می‌کنند. این امر موجب بروز ترس‌های بسیار، نگرانی‌ها و بی‌خوابی در کودکان می‌گردد. به همین خاطر همان‌طور که دانش‌آموزان وارد عصر فرهنگ اشباع شده توسط رسانه‌ها می‌شوند، نیاز به فراگیری مهارت‌های جدید برای زندگی به صورت مستقل و نگاهی پرسش‌گر نسبت به مسائل در جامعه را دارند. همچنین دانش‌آموزان باید مهارت‌های ضروری برای تفکر، رابطه هوشیارانه با رسانه‌ها، استفاده از تفکر انتقادی و تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای نوشتاری، سمعی و بصری را فرا بگیرند. مریبان می‌توانند با ترکیب مهارت‌های سواد رسانه‌ای در فعالیت‌های کلاسی روزمره شروع کنند، آنها می‌توانند توجه دانش‌آموزان را به عدالت و انصاف و چگونگی عملکرد رسانه‌ها معطوف سازند، زیرا دانش‌آموزان انگیزه بالایی نسبت به تبلیغات فریب‌آمیز و اعمال خشونت‌آمیز در جامعه دارند، می‌توان آگاهی آنها را از روش‌های تولید یک رسانه، اثرات مالکیت رسانه‌های متمرکز بالا برد. همچنین می‌توان به آنها با پرسیدن سوالاتی درباره آنچه که آنان می‌بینند، می‌خوانند یا می‌شنوند کمک کرد و درک عمیق از رسانه و اثراتش را توسعه داد. سواد رسانه‌ای یک جنبش ضد رسانه‌ای نیست؛ زیرا به راحتی می‌تواند با همه اصول هماهنگ شود و مناسب با زندگی دانش‌آموزان و حتی سرگرم‌کننده باشد. سواد رسانه‌ای، توسعه سواد‌های سنتی نظیر خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن است که همه این موارد بر روی تفسیر، تولید و مصرف پیام‌ها تاثیر می‌گذارد (امیر انتخابی و رجیبی، ۱۳۹۸: ۷۲).

با توجه به پیشینه تجربی و مبانی نظری پژوهش، فرضیه‌های زیر طرح می‌شوند:

- میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب جنسیت آنها متفاوت است.
- میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب نوع مدرسه متفاوت است.
- میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب منطقه یا محل سکونت آنها متفاوت است.
- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده فرد و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.
- بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش به کار گرفته شده در تحقیق حاضر، براساس هدف پژوهش، کاربردی و براساس شیوه جمع‌آوری داده‌ها، پیمایشی است. همچنین بر اساس میزان ژرفایی، پنهانگر بوده و با توجه به عامل زمان، مقطعی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ است که تعداد آنها مطابق با آمار آموزش و پرورش شهر تبریز برابر با ۶۰۳۷۷ نفر است. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش کار نمونه‌گیری به این صورت است که در مرحله نخست، هر یک از مناطق پنج‌گانه آموزش و پرورش شهر تبریز به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. در مرحله دوم، کار نمونه‌گیری در داخل هر یک از خوشه‌ها (نواحی پنج‌گانه) انجام شد و بر اساس آن همه دبیرستان‌های مقطع دوم دخترانه و پسرانه دولتی، غیرانتفاعی و نمونه دولتی در طرح نمونه‌گیری قرار گرفتند. در مرحله سوم از هر ناحیه، ۶ مدرسه (۲ مدرسه دخترانه و پسرانه دولتی، ۲ مدرسه دخترانه و پسرانه نمونه دولتی و ۲ مدرسه دخترانه و پسرانه غیرانتفاعی) به شکل تصادفی انتخاب شدند. در مرحله آخر از هر مدرسه به شکل تصادفی، ۱۳ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. برای انتخاب حجم نمونه، از فرمول عمومی کوکران استفاده شد. با استفاده از این فرمول، حجم نمونه برابر با ۳۹۰ نفر برآورد شد.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot p \cdot q}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot p \cdot q} = \frac{60377 \cdot 1.96^2 \cdot 0.05 \cdot 0.95}{60377 \cdot 0.05^2 + 1.96^2 \cdot 0.05 \cdot 0.95} = 390$$

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به سطوح سنجش متغیرها از آزمون‌های تفاوت میانگین (T و F) و ضریب همبستگی r پیرسون بهره گرفته شده است. همچنین برای آزمون مدل تدوین‌شده پژوهش از نرم افزار AMOS استفاده شده است. همچنین برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه ذیل استفاده شده است:

پرسشنامه تمایل به رفتارهای بزهکارانه: منظور از بزهکاری گرایش دانش‌آموزان به اعمال خلاف قانون یا موازین مذهبی و عرف جامعه است که افراد بزهکار میل به انجام آن دارند. در این تحقیق با بهره‌گیری از پژوهش‌های خوبی‌نژاد (۱۳۹۵) و شریفی (۱۳۸۸)، گرایش به رفتارهای بزهکارانه با استفاده از گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (هرگز، خیلی کم، کم، زیاد، خیلی زیاد) سنجیده شده است:

جدول ۱. عملیاتی‌سازی متغیر گرایش به بزهکاری

متغیر	گویه‌ها
تمایل به رفتارهای بزهکارانه	مصرف دخانیات و قلیان، مصرف مواد مخدر (گل، تریاک، ماری‌جوانا، حشیش و...)، مصرف مشروبات الکلی، تماشای فیلم‌های مبتذل یا پورن، همجنس‌بازی، مصرف قرص‌های روان‌گردان همچون قرص ایکس، روابط جنسی با جنس مخالف، چت کردن با جنس مخالف در رابطه با موضوعات جنسی (سکس)

<p>چت)، فرار از مدرسه، شرطبندی یا قمار، تخریب اموال عمومی یا شخصی دیگران، تقلب در امتحانات، ایجاد مزاحمت در خیابان یا راه مدرسه برای افراد غیرهمجنس، دعوا با دیگران در مدرسه، ضرب و جرح یا زد و خورد با دیگران، پوشیدن لباس‌های هنجارشکنانه (همچون زخمی، پاره و...)، شرکت در پارتی‌های مختلط، عدم رعایت قوانین و مقررات مدرسه، ماندن در بیرون از منزل تا پاسی از شب</p>	
---	--

پرسشنامه سواد رسانه‌ای: سواد رسانه‌ای عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آنها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت به نفع آنان باشد (کورتز؛ ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر، مفهوم سواد رسانه‌ای با بهره‌گیری از تحقیق جعفری (۱۳۹۷) عملیاتی شده است. این پرسشنامه دارای سه مولفه تنوع و مهارت، جمع‌آوری و تولید اطلاعات و نگاه انتقادی است که دارای ۳۳ گویه می‌باشد که به منظور سنجش سطح سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان در قالب طیف لیکرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در جدول ۲، گویه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش مفهوم سواد رسانه‌ای آورده شده است.

جدول ۲. عملیاتی‌سازی متغیر سواد رسانه‌ای

متغیر	بعد	گویه‌ها
سواد رسانه‌ای	تنوع و مهارت	<p>از رسانه‌های نوین مانند اینترنت چقدر استفاده می‌کنید؟ قبل از خرید کالاهای الکترونیکی مثل کامپیوتر، موبایل و... چقدر از طریق اینترنت در مورد کارآیی آن تحقیق می‌کنید؟ برای بررسی اطلاعات یک رسانه، چقدر به رسانه‌های دیگر مثل اینترنت و... مراجعه می‌کنید؟ برای دسترسی به اطلاعات مورد نیازتان در اینترنت، چقدر از جستجوی پیشرفته یا علائم اختصاری (* : " و...) استفاده می‌کنید؟ برای کسب دانش و اطلاعات جدید، چقدر از رسانه‌های مکتوب مانند کتاب، مجلات و... استفاده می‌کنید؟ چقدر برای امنیت اطلاعات‌تان، حافظه جانبی گوشی، رایانه یا فلش مموری شخصی‌تان را خودتان پر یا خالی می‌کنید؟ به طور معمول مبادلات بانکی را چقدر از طریق اینترنت، تلفن، یا همراه بانک انجام می‌دهید؟ به طور معمول هنگام استفاده از رسانه‌ها، چقدر به مدت زمان صرف شده‌تان توجه می‌کنید؟ در ارسال و دریافت ایمیل اگر با مشکلی مانند ویروس، اسپم، فرمت فایل و... مواجه شدید، چقدر می‌توانید آن را رفع کنید؟ از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی مثل تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و... چقدر استفاده می‌کنید؟</p>
	جمع‌آوری و تولید اطلاعات	<p>به طور معمول چقدر فیلم‌ها و برنامه‌های خارجی مورد علاقه‌تان را به زبان اصلی تماشا می‌کنید؟ چقدر سعی می‌کنید اطلاعات بیشتری در مورد روش‌های کار رسانه‌ها مانند مونتاز، جلوه‌های ویژه و... به دست بیاورید؟ به طور معمول چقدر فیلم‌های مطرح جهان را تماشا می‌کنید؟ در استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای چقدر می‌توانید شبکه‌های نامناسب برای کودکان را مسدود یا قفل‌گذاری کنید؟ دانش و اطلاعات خود را به شکل کلیپ، کامنت، پست و... چقدر در اختیار دیگران قرار می‌دهید؟ به طور معمول در مورد خبرهای رسانه‌ای چقدر به تاریخ آنها توجه می‌کنید؟ چقدر مطالب مهم روزنامه، مجلات یا کلیپ‌های مورد علاقه‌تان را برای استفاده در آینده ذخیره می‌کنید؟ پشت صحنه فیلم‌ها و برنامه‌های مستند را چقدر پیگیری می‌کنید؟ به طور معمول چقدر برای</p>

دیدن برنامه یا کسب اطلاعاتی خاص، از رسانه‌ها استفاده می‌کنید؟ پس از کسب اطلاعات جدید از رسانه‌ها، چقدر با دیگران در مورد آن تبادل نظر می‌کنید؟	
به طور معمول برای کسب اطلاعات از رسانه‌ها چقدر به منابع آنها توجه می‌کنید؟ شبکه‌های اجتماعی مجازی چقدر توانسته‌اند مکانی مناسب برای طرح دیدگاه‌های متفاوت و افزایش اطلاعات افراد باشند؟ به طور معمول چقدر از امکانات شبکه‌های اجتماعی مجازی برای دریافت اخبار، اطلاعات آموزشی و... استفاده می‌کنید؟ استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی در جمع‌های خانوادگی یا دوستانه چقدر باعث سردی روابط می‌شود؟ به نظر شما موسیقی و تصاویر پس زمینه پیام، چقدر برداشت ما از پیام را تغییر می‌دهد؟ به نظر شما پخش شایعات در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، چقدر بیش از سایر رسانه‌ها است؟ چقدر توسط تلفن، پیامک و... نظرات خود را به شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی منتقل می‌کنید؟ به نظر شما چقدر برخی از رسانه‌ها به جهت حفظ منافع خود، حقایق را وارونه جلوه می‌دهند؟ برخی از رسانه‌ها در بیان آسیب‌های اجتماعی چقدر بزرگ‌نمایی می‌کنند؟ دیدگاه‌های شما به طور معمول چقدر با آنچه رسانه‌ها تعبیر و تفسیر می‌کنند، متفاوت است؟ به نظر شما رسانه‌ها به طور معمول چقدر سبک زندگی مدرن و مدگرایی را ترویج می‌دهند؟ رسانه‌ها به طور معمول چقدر مصرف‌گرایی را تبلیغ می‌کنند؟ به نظر شما تبلیغات تلویزیونی به طور معمول چقدر اغراق‌آمیز هستند؟	نگاه انتقادی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده: به بخشی از جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب معاشرت، با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت باشد. برای مطالعه ساختار طبقاتی جامعه، از سه روش عمده استفاده می‌شود. این روش‌ها عبارتند از روش‌های اشتهراری، ذهنی و عینی. در روش اشتهراری، پژوهشگر از افراد می‌پرسد که افراد دیگر را در کدام طبقه اجتماعی می‌توان قرار داد. در روش عینی، پژوهشگر ملاک‌های عضویت در طبقه اجتماعی و تعداد طبقاتی که جامعه به آنها تقسیم شده است را تعیین می‌کند و سپس افراد براساس ملاک‌های مشخص، در یک طبقه اجتماعی قرار می‌گیرند. در پژوهش حاضر، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده افراد از طریق مؤلفه‌های سطح درآمد خانواده، وضعیت شغلی پدر و میزان تحصیلات پدر و مادر به متغیری پنج طبقه تبدیل شده است که عبارتند از: پایین، متوسط رو به پایین، متوسط، متوسط رو به بالا و بالا. با توجه به این‌که ارتباط یا تأثیر اجزای تشکیل‌دهنده این شاخص با متغیر وابسته از الگوی نسبتاً یکسانی برخوردار بوده است، بنابراین به جای استفاده از تک تک ابعاد، از شاخص کل پایگاه اقتصادی - اجتماعی در تحلیل‌ها استفاده شده است. لازم به ذکر است که شاخص کل پایگاه اقتصادی اجتماعی از طریق استانداردسازی (تبدیل به نمره Z استاندارد) نمرات ابعاد سطح درآمد خانواده، وضعیت شغلی پدر، و میزان تحصیلات والدین به دست آمده و لذا تبدیل به متغیری در سطح سنجش فاصله‌ای شده است.

در پژوهش حاضر، روایی ابزار پژوهش از طریق اعتبار صوری یا مراجعه به افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردید. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده به همراه چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش در اختیار اساتید و متخصصین قرار داده شد و نقطه نظرات آنها در ندوین نهایی پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. برای تضمین پایایی (ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسان یا مشابهی به دست می‌دهد) ابزار سنجش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. اطلاعات جدول ۳ بیانگر آن است که پایایی ابزار متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷۰ هستند و بنابراین پرسشنامه طراحی شده از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۳: ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
سواد رسانه‌ای	۳۴	۰/۷۸
تمایل به رفتارهای بزهکارانه	۱۹	۰/۸۹

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که تعداد پاسخگویان ۳۹۰ نفر است و ۴۹/۷ درصد (۱۹۴ نفر) مشارکت‌کنندگان دختر و ۵۰/۳ درصد (۱۹۶ نفر) پسر هستند. خانواده ۲۰ درصد از پاسخگویان از پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا، ۱۹/۲۳ درصد متوسط رو به بالا، ۲۰/۵۱ درصد متوسط، ۲۲/۰۵ درصد متوسط رو به پائین و ۱۸/۲۰ درصد نیز از پایگاه اقتصادی-اجتماعی پائین برخوردار هستند. همچنین دانش‌آموزان به شکل برابری از همه مدارس دولتی، نمونه دولتی و غیرانتفاعی با ۳۳/۳۳ درصد (۱۳۰ نفر از هر نوع مدرسه) در پژوهش حاضر حضور یافته‌اند. علاوه بر این، ۳۲/۰۵ درصد پاسخگویان از مناطق محروم یا کم برخوردار شهر تبریز، ۳۶/۱۵ درصد از مناطق نیمه‌برخوردار و ۳۱/۷۹ درصد نیز از مناطق برخوردار هستند.

نتایج مندرج در جدول ۴: شاخص‌های توصیفی سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه را نشان می‌دهد. در تحلیل داده‌ها در ابتدا با بررسی پیشفرض‌های آماری با استفاده از کشیدگی و چولگی و همچنین آزمون شاپیرو ویلک نرمال بودن داده‌ها تأیید شد. با توجه به مقدار میانگین‌های به دست آمده، نتایج بیانگر آن است که میانگین شاخص سواد رسانه‌ای ۱۱۵/۷۱ برآورد شده است. این مقدار میانگین با توجه به بازه‌ای که این متغیر از آن برخوردار است (۳۳ تا ۱۶۵)، در سطح متوسط رو به بالایی قرار دارد. این بدین معنا است که بخش قابل توجهی از پاسخگویان از سواد رسانه‌ای بالایی برخوردارند. همچنین میانگین شاخص گرایش به بزهکاری ۴۲/۱۲ برآورد شده است. این مقدار میانگین با توجه به بازه‌ای که این متغیر از آن برخوردار است (۱۹ تا ۹۵)، در سطح پائینی قرار دارد. این بدین معنا است که بخش قابل توجهی از پاسخگویان گرایش به رفتارهای بزهکارانه ندارند.

جدول ۴: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی مقدار	چولگی مقدار	شاپیرو ویلک	
					مقدار	معناداری
سواد رسانه‌ای	۱۱۵/۷۱	۲۰/۵۳	-۰/۰۰۹	۰/۵۵۱	۰/۵۲	۰/۱۸۳
تمایل به رفتارهای بزهکارانه	۴۲/۱۲	۱۴/۹۵	۰/۲۱۲	-۰/۰۸۷	۰/۸۷	۰/۱۵۴

فرضیه ۱: میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب جنسیت آنها متفاوت است.

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر حسب جنسیت

گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۲۸/۹۴	۱۱/۱۴	۱/۲۸	۳۸۸	۰/۲۰۱
دختر	۲۷/۶۰	۹/۵۶			

نتایج مندرج در جدول ۵: تفاوت معناداری بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر حسب جنسیت پاسخگویان با توجه به سطوح معناداری به دست آمده که بالاتر از ۰/۰۵ است و نیز مقدار آزمون t که پائین‌تر از ۱/۹۶ است، را نشان نمی‌دهد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد می‌شود.

فرضیه ۲: میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب نوع مدرسه متفاوت است.

جدول ۶: آزمون تفاوت میانگین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر حسب نوع مدرسه

سطح معناداری	F	انحراف معیار	میانگین	گروه‌ها
۰/۵۴۱	۰/۶۱۶	۱۰/۴۰	۲۸/۷۹	دولتی
		۱۰/۹۱	۲۷/۶۵	نمونه دولتی
		۱۰/۲۳	۲۷/۶۰	غیرانتفاعی

نتایج مندرج در جدول ۶: تفاوت معناداری بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب نوع مدرسه آنها با توجه به سطح معناداری به دست آمده برای آماره F که بزرگتر از ۰/۰۵ است، را نشان نمی‌دهد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود.

فرضیه ۳: میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب منطقه یا محل سکونت آنها متفاوت است.

جدول ۷: آزمون تفاوت میانگین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر حسب منطقه سکونت

سطح معناداری	F	انحراف معیار	میانگین	گروه‌ها
۰/۰۰۱	۱۴/۵۵	۹/۸۰	۲۶/۴۹	برخوردار
		۱۰/۹۵	۲۸/۵۴	نیمه‌برخوردار
		۱۱/۸۳	۳۰/۶۵	کم برخوردار

نتایج مندرج در جدول ۷: تفاوت معناداری بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب محل یا منطقه سکونت آنها با توجه به سطح معناداری به دست آمده برای آماره F که بزرگتر از ۰/۰۵ است، را نشان می‌دهد. به طوری که میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پاسخگویان ساکن مناطق کم‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار و برخوردار است. همچنین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق برخوردار است. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه ۴: بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده فرد و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

جدول ۸: آزمون رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تمایل به رفتارهای بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرها
۰/۰۰۱	-۰/۲۷	پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تمایل به رفتارهای بزهکارانه

نتایج مندرج در جدول ۸: بیانگر آن است که با توجه به سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون که کوچکتر از ۰/۰۵ است، بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده دانش‌آموزان و تمایل به رفتارهای بزهکارانه همبستگی (-۰/۲۷) معنادار معکوسی وجود دارد؛ به طوری که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده فرد، از تمایل آنها به رفتارهای بزهکارانه کاسته می‌شود. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود.

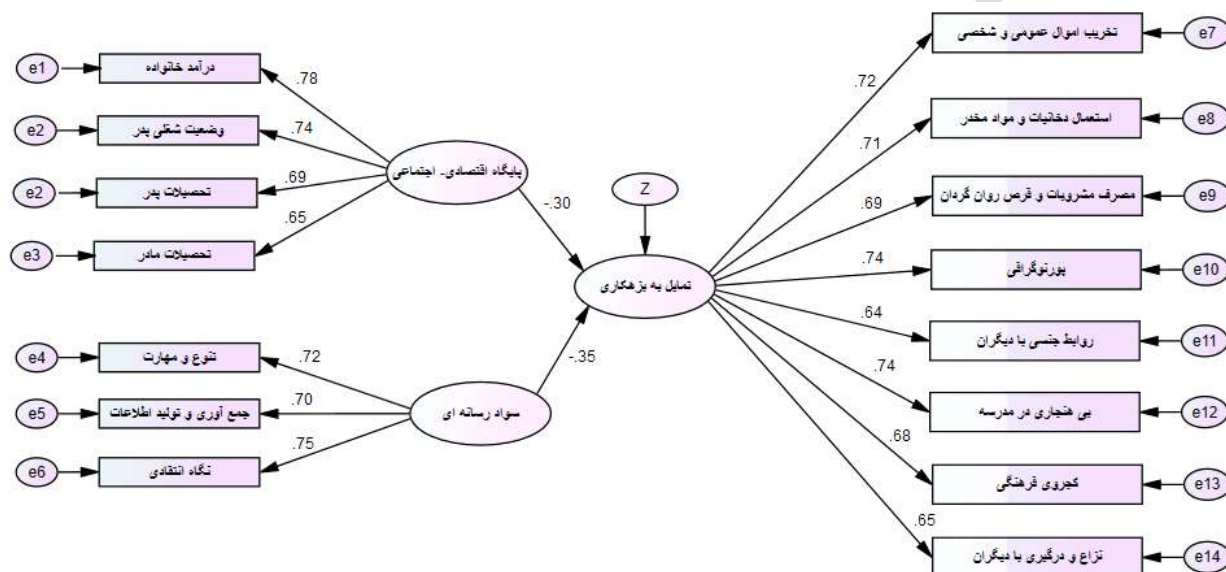
فرضیه ۵: بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

جدول ۹: آزمون رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرها
--------------	---------------------	---------

سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه	-۰/۳۳	۰/۰۰۱
---	-------	-------

نتایج مندرج در جدول ۹: بیانگر آن است که با توجه به سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون که کوچکتر از ۰/۰۵ است، بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه همبستگی (-۰/۳۳) معنادار معکوسی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان سواد رسانه‌ای افراد، از تمایل آنها به رفتارهای بزهکارانه کاسته می‌شود. بنابراین فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌شود. در پژوهش حاضر به منظور مشخص نمودن تأثیر متغیرهای مستقل (سواد رسانه‌ای و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) بر تمایل به رفتارهای بزهکارانه، مدل نظری یا تدوین شده برای پاسخگویان آزمون شده است.



شکل ۱: آزمون مدل تدوین شده پژوهش در حالت استاندارد

نتایج مندرج در شکل ۱: بیانگر آن است که پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده ۰/۳۰- بر تمایل به رفتارهای بزهکارانه تأثیر دارد؛ به عبارت دیگر؛ پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده یکی از عوامل اساسی در کاهش تمایل به رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان است. همچنین سواد رسانه‌ای بر تمایل به رفتارهای بزهکارانه ۰/۳۳- تأثیر دارد و این بدین معناست که با افزایش سواد رسانه‌ای، تمایل به رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد.

جدول ۱۰: معیارهای برازش مدل

PRATIO	PCFI	PNFI	NFI	CMIN/DF	CFI	RMSE	AGFI	GFI
۰/۸۹	۰/۵۴	۰/۴۹	۰/۹۲	۲/۵۴	۰/۹۳	۰/۰۴	۰/۹۲	۰/۹۰

نتایج مندرج در جدول ۱۰: بیانگر آن است که همه شاخص‌های برازش مدل قابل قبول هستند. بنابراین مدل ترسیم شده، مدلی است که می‌تواند تا حدودی داده‌های ما را با مدل نظری تطبیق دهد. به عبارت دیگر، مدل ما نشان می‌دهد که داده‌های تجربی ما می‌توانند به صورت مطلوبی با نظریه‌ها پوشش داده شوند.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پسران کمی بیشتر از دختران است ولی این اختلاف معنادار نیست. این یافته در تضاد با یافته‌های پژوهش باصری (۱۳۸۵) است. با این حال در تحلیل این اختلاف مشاهده

شده می‌توان گفت که وجود تفاوت‌های زیستی و تربیتی در پسران و دختران، انتظارات فرهنگی و اجتماعی متفاوت و آزادی بیشتر پسران، احتمالاً امکان‌پذیر به بزهکاری را در پسران افزایش می‌دهد. همچنین از آنجایی که میزان کنترل‌های غیررسمی همچون نظارت والدین، بر روی پسران کمتر از دختران است، میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پسران بیشتر از دختران است. همچنین خصوصیات یا ویژگی‌های جسمانی پسران، زمینه را برای تمایل به رفتارهای بزهکارانه در پسران مساعدتر می‌کند. علاوه بر این، دیگر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب نوع مدرسه آنها تفاوتی وجود ندارد. در تحلیل این یافته نیز می‌توان گفت با توجه به اینکه مدارس بعد از خانواده‌ها مهمترین عوامل جامعه‌پذیری دانش‌آموزان هستند و در همه مدارس تقریباً از اصول و استانداردهای مشابهی برای اجتماعی‌شدن و نهادینه نمودن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی استفاده می‌شود، لذا تفاوتی بین نوع مدارس در زمینه تمایل به رفتارهای بزهکارانه وجود ندارد.

سایر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب محل یا منطقه سکونت آنها تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پاسخگویان ساکن مناطق کم‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار و برخوردار است. همچنین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق برخوردار است. علاوه بر این، بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده دانش‌آموزان و تمایل به رفتارهای بزهکارانه همبستگی (-۰/۲۷) معنادار معکوسی وجود دارد؛ به طوری که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده فرد، از تمایل آنها به رفتارهای بزهکارانه کاسته می‌شود. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش‌های خوبی‌نژاد (۱۳۹۵) و باصری (۱۳۸۵) است که در مطالعات‌شان نشان دادند پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها و سکونت در مناطق برخوردار و بالای شهری عاملی مهم در کاهش رفتارهای بزهکارانه افراد هستند. در تحلیل این یافته‌ها با استفاده از نظریه فرهنگ طبقه پائین والتر میلر می‌توان گفت که پسرهای خانواده‌های طبقات پایین، بیشتر از پسرهای سایر طبقات اجتماعی از آزادی و استقلال برای ترک خانه برخوردارند. آنان همین‌طور نسبت به بچه‌های طبقه متوسط برای انجام دادن برخی از بزهکاری‌ها نظیر: خوردن مشروبات الکلی و کشیدن سیگار که منتسب به بزرگسالان است مستعدتر هستند؛ زیرا خودمختاری از ویژگی‌های منحصر به فرد بچه‌های طبقه پایین است. علاوه بر خودمختاری، قانون و مقررات از منظر جوانان این طبقه، به عنوان پدیده‌ای تعریف می‌شود که برای آنان ایجاد زحمت و مزاحمت می‌کند. از طرفی دیگر، جوانان طبقات پایین، پلیس را به عنوان منبعی از حفاظت یا خدمات اجتماعی مورد توجه قرار نداده و نقش پلیس را ایجاد زحمت یا مزاحمت و به ستوه آوردن مردم می‌دانند و بر این اساس تمایلی به احترام گذاشتن به پلیس ندارند. چنین نگرشی نسبت به پلیس، جوانان طبقات پایین را برای اعمال بزهکارانه آماده می‌سازد.

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه همبستگی (-۰/۳۳) معناداری وجود و سواد رسانه‌ای عاملی تاثیرگذار در کاهش تمایل به رفتارهای بزهکارانه است. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش‌های فرقانی و خدامرادی (۱۳۹۸)، نورآذر (۱۳۹۹)، ملکی و هاشیمان‌فر (۱۳۹۹)، شریفی رهنمو و همکاران (۱۳۹۹)، آقایی (۱۳۹۹)، اسکاریر (۲۰۰۹)، پیراومورا (۲۰۱۸) و خلی، گای و ژو (۲۰۱۹) است که سواد رسانه‌ای را عاملی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای انحرافی می‌دانند. در تحلیل این یافته، مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان گفت که افراد (نوجوانان) رفتارهای بزهکارانه و تمایل به این رفتارها را از منابع مختلف همچون گروه همسالان و رسانه‌ها فرا می‌گیرند. رسانه‌ها با بازنمایی رسانه‌ای،

باورها، ارزش‌ها، هنجارها و دیدگاه‌های مختلفی را به مخاطبان القاء می‌کنند. بزهکاری، آسیب‌های اجتماعی، جرم و عدم ارتکاب این رفتارها تحت تاثیر سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری‌های اساسی رسانه‌های ارتباط جمعی است. در واقع، رسانه‌ها همچون شمشیر دولبه‌ای عمل می‌کنند که می‌توانند تمایلات ارتکاب کجروی و بزهکاری را افزایش دهند و بدین ترتیب امنیت و احساس امنیت را کاهش دهند و از سویی دیگر، با اطلاع‌رسانی مناسب و صحیح، الگوهای درست برای یک زندگی سالم را تبلیغ و نهادینه سازند و در نتیجه انحراف و بزهکاری را در جامعه کاهش داده و امنیت و احساس امنیت را تقویت نمایند. همانطور که در چهارچوب نظری پژوهش نیز گفته شد، شیوه انعکاس و بازنمایی بسیاری از محتواها توسط رسانه‌ها نیز دارای اهمیت است به طوری که رسانه‌ها با انعکاس برخی انحرافات و شیوه‌های گوناگون ارتکاب جرم و اعمال خشونت می‌توانند در وقوع جرم در جامعه مؤثر باشند و نتایج کوتاه مدت و دراز مدتی در این عرصه داشته باشند. به این معنا که با نشان دادن جرایم و ناهنجاری‌هایی نظیر انواع خشونت‌ها، آسیب‌ها، کلاهبرداری و... می‌توانند نوعی هیجان در رفتار افراد ایجاد کنند و آنها را در جهت بروز رفتار جرم و بزهکاری ترغیب کنند. برای مصون ماندن از این هیجانات، داشتن سواد رسانه‌ای الزامی است. سواد رسانه‌ای، دیدگاهی است برای رویارویی با رسانه‌ها و تفسیر پیام‌های دریافتی. با دارا بودن سواد رسانه‌ای و آشنایی با جنبه‌های نهان و آشکار فعالیت‌های رسانه‌ای با استفاده از این ابزار، مخاطبان می‌توانند خود، خانواده و فرزندان‌شان را از قربانی شدن در برابر جرایم یا ارتکاب جرم محفوظ نگاه دارند. در این زمینه، بیداروند و همکارانش (۱۴۰۱) نیز نشان داده‌اند که بین درک محتوای پیام‌ها، آگاهی از اهداف پنهان پیام‌ها، گزینش آگاهانه پیام‌ها، تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، عقلانیت و نگاه انتقادی به پیام‌ها به عنوان مولفه‌های سرمایه اجتماعی رسانه‌ای با کاهش آمار بزهکاری رابطه مستقیم وجود دارد.

از آنجایی که یافته‌های پژوهش نشان داد بین سواد رسانه‌ای با تمایل به رفتارهای بزهکارانه رابطه معنی‌داری وجود دارد، در جهت ارتقاء میزان سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان لازم است که نظام آموزش و پرورش و رسانه ملی که متولیان اصلی آموزش سواد رسانه‌ای به افراد هستند، توجه ویژه‌ای نسبت به آموزش مباحث سواد رسانه‌ای داشته باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که از مقطع ابتدایی به آموزش سواد رسانه‌ای از طریق قرار دادن واحدها و دروس مربوطه بپردازد تا این که دانش‌آموزان بتوانند از رسانه‌های نوین و فضای مجازی، عاقلانه و هدفمند استفاده کنند و با رویکردی نقادانه نسبت به محتوای رسانه‌ها، اعتبار اطلاعات را از منابع متعدد بررسی و ارزیابی کنند. هم‌چنین رسانه ملی نیز می‌تواند از طریق تولید انیمیشن‌های مختلف و تبلیغات جذاب و نوجوان‌پسند به آموزش سواد رسانه‌ای بپردازد. علاوه بر این، کاهش احساس محرومیت نسبی و رسیدگی به مشکلات اقتصادی افراد در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی و کاهش شکاف اقتصادی نیز می‌تواند عاملی مهم در کاهش تمایلات بزهکارانه در نوجوانان باشد.

منابع

- امیر انتخابی، ش. و رجیبی، س. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل سطوح مختلف سواد رسانه‌ای، *پژوهش‌های ارتباطی*، ۸ (۳)، ۸۳-۵۷۳.
- آقایی، م. (۱۳۹۹). نقش رفتار مبتنی بر سواد رسانه‌ای در پیشگیری از وقوع انواع جرایم در بین خانوارهای اصفهانی، *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۵ (۵۶)، ۱۳۷-۱۱۷.
- آقائی، س. (۱۳۹۶). رسانه و جرم از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴ (۱)، ۱-۳۵.
- باصری، م. (۱۳۸۵). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر رفتار بزهکارانه نوجوانان: مطالعه موردی شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.

بیداروند، م.، پورقهرمانی، ب. و بیگی، ج. (۱۴۰۱). تأثیر پیشگیرانه سرمایه اجتماعی رسانه‌ای بر بزهکاری در بستر فناوری‌های نوین در دوران اپیدمی کرونا، *حقوق فناوری‌های نوین*، ۳(۵)، ۳۳-۵۳.

تقی‌زاده، ع. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش سواد رسانه‌ای بر دانش‌آموزان در شهر کرمان، *پژوهش‌های ارتباطی*، ۴(۹۲)، ۱۷۴-۱۵۳.

جعفری، م. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین سواد رسانه‌ای و گرایش به بزهکاری جوانان، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، دانشکده علوم انسانی، گروه ارتباطات.*

حق پرست، ا.، قیومی، ع. و امیرحسینی، ز. (۱۳۹۷). رابطه سرمایه و سلامت اجتماعی و سواد رسانه‌ای با کاهش آسیب‌های اخلاقی در شبکه اجتماعی اینستاگرام، *مطالعات میان فرهنگی*، ۱۳(۳۵)، ۷۰-۴۱.

خوبی‌نژاد، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی مرتبط با رفتارهای نابهنجار در مدرسه و خانه به عنوان یک رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر بهمنی، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی.*

شریفی رهنمو، س.؛ سراجی، ف. و شریفی رهنمو، م. (۱۳۹۹). رابطه بین میزان سواد رسانه‌ای با کاهش آسیب‌های اجتماعی استفاده از اینستاگرام با تأکید بر نقش پلیس (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر همدان)، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱۱(۶۱)، ۱۵۶-۱۳۳.

شریفی، س. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با تمایل دختران به رفتار بزهکارانه (مطالعه موردی دختران ۱۵ تا ۲۴ سال شهر شیراز)، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز دانشکده علوم اجتماعی، گروه مطالعات زنان. شکرخواه، ی. (۱۳۶۸). سواد رسانه‌ای، یک مقاله عقیده‌ای، فصلنامه رسانه، ۱۷ (۴)، ۲۷-۳۲.*

فرقانی، م. و خدامرادی، ی. (۱۹۸). نقش سواد رسانه‌ای در تعدیل اعتیاد اینترنتی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان متوسطه دوم چهار محال بختیاری، *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۰(۴۵)، ۱۰۲-۸۵.

کردی حاجی، آ.، حاجی تبار فیروزجائی، ح. و کلانتری، ک. (۱۴۰۱). عوامل خطرآفرین و پیشگیری‌کننده از بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه قضات، مددکاران اجتماعی و مدیران مدارس استان مازندران، *رفاه اجتماعی*، ۲۲(۸۴)، ۱۸۰-۱۶۱.

کانسیداین، د. (۱۳۷۹). درآمدی بر سواد رسانه‌ای، ترجمه ناصر بلیغ، تهران: انتشارات اداره کل تحقیق و توسعه صدا. گیدنز، آ. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

محمدی، ش.، بیژنی میرزایی، ط. و حاتمی، م. (۱۳۹۷). نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد، *تدریس پژوهی*، ۶(۴)، ۲۵۸-۲۳۸.

ملکی، ف. و هاشمیانفر، س. (۱۳۹۹). بررسی میزان و تأثیر سواد رسانه‌ای نوجوانان در بروز اغتشاشات، *دانش انتظامی اصفهان*، ۷(۲۳)، ۷۷-۱۰۵.

نعمتی‌فر، ن.، خجسته باقرزاده، ح. و کاظمی، ه. (۱۳۹۶). مطالعه سطح سواد رسانه‌ای کاربران رسانه‌های اجتماعی، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۴(۱۶)، ۱۷۵-۱۴۳.

نورآذر، ف. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سواد رسانه‌ای بر کاهش جرایم نوپدید مربوط به استفاده از فضای مجازی در بین جوانان شهر مشگین شهر، *نشریه دانش انتظامی اردبیل*، ۷(۲۷)، ۱۱۰-۹۰.

ولیزاده، ک. و جعفری، ع. (۱۳۹۸). نقش کتاب درسی تفکر و سواد رسانه‌ای در ارتقای ابعاد سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره دوم شهر اردبیل، *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۶(۴)، ۲۲۳-۲۰۹.

- Barak, G. (1994). *Media, process and the social construction of crime*. New York, NY. Garland.
- Bulger, M & Davison, P. (2018). The social networks, promises, challenges and futures of media literacy. *Journal of Media Literacy Education*, 10 (1), 1-21.
- Cheunge, C. (2017). Promotion Media Literacy Education in China: A Case Study of a Primary School. *International Journal of Adolescence and Youth*, 21 (2), 117-215.
- Cortes, C. E. (2001). Knowledge Construction and Popular Culture: The Media as Multicultural Educator. *Educational Researcher*, 22 (5), 4-14.
- Hobbs, F. (2003). Measured multi-modal comprehension & analysis of treatment & control groups of grade 11 concord high school. *Education media International*.
- Kovac, B., & Rosenstiehl, T. (2001). Elements of journalism. What newspeople should know and the public.
- Mingoia, J., Hutchinson, A. D., Gleaves, D. H., & Wilson, C. (2019). The impact of a social media literacy intervention on positive attitudes to tanning: A pilot study. *Computers in Human Behavior*, 90, 188-195.
- Nagle, J. (2018). Twitter, cyber-violence, and the need for a critical social media literacy in teacher education: A review of the literature. *Teaching and Teacher Education*, 76, 86-94.
- Paxson, P. (2005). *Media Literacy: Thinking Critically*, Walch Publication.
- Pereira, S., & Moura, P. (2019). Assessing media literacy competences: a study with Portuguese young people. *European Journal of Communication*, 34(1), 20-37.
- Purnama, S., Ulfah, M., Machali, I., Wibowo, A., & Narmaditya, B. S. (2021). Does digital literacy influence students' online risk? Evidence from Covid-19. *Heliyon*, 7(6), e07406.
- Scharrer, E. (2009). Measuring the Effects of a Media Literacy Program on Conflict and Violence. *Journal of media literacy education*, 1 (1), 12-27.
- Silver, A. (2009). A European approach to media literacy: moving toward an inclusive knowledge society. *Comunicar: Revista Científica de Comunicación y Educación*, 16(32), 11-13.
- Suwana, F. (2017). Empowering Indonesian women through building digital media literacy. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 38(3), 212-217.
- Thoman, E. (1995). *The 3 stages of media literacy*, UK.
- Vahedi, Z., Sibalis, A., & Sutherland, J. E. (2018). Are media literacy interventions effective at changing attitudes and intentions towards risky health behaviors in adolescents? A meta-analytic review. *Journal of adolescence*, 67, 140-152.
- Xie, X., Gai, X., & Zhou, Y. (2019). A meta-analysis of media literacy interventions for deviant behaviors. *Computers & Education*, 139, 146-156.

نسخه پیش انتشار